



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

امام حسین
علیه السلام

در آینه شعر و ادب



مهدی مه‌ما ن‌دار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین (ع) در آینه شعر و ادب

نویسنده:

مهدی مهماندار

ناشر چاپی:

مهدی مهماندار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	امام حسین(ع) در آینه شعر و ادب
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	شناخت مرثیه
۸	رسالت و تعهد شاعر
۸	شروع مرثیه‌هایی عاشورایی
۸	اشاره
۸	حسین و عاشورا در ادب پارسی
۹	مروری بر چند مرثیه از شعرای عرب
۹	مروری بر تک بیت‌هایی زیبا از شعر پارسی در مورد امام حسین و عاشورا
۹	امام حسین و عاشورا در آینه شعر و ادب پارسی
۹	اشاره
۱۰	ابوالحسن کسایی مروزی
۱۰	امیر معزی
۱۰	سنایی
۱۱	قوامی رازی
۱۱	عطار نیشابوری
۱۱	کمال الدین اصفهانی
۱۱	سیف فرقانی
۱۲	خواجه کرمانی
۱۲	سلمان ساوجی
۱۲	ابن حسام خوسفی

صائب تبریزی ۱۲

ملک الشعراى بهار ۱۳

ادیب السلطنه ۱۳

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳

امام حسین(ع) در آیین شعر و ادب

مشخصات کتاب

پدیدآورندگان: نویسنده مهدی مهماندار

ناشر: نویسنده مهدی مهماندار

عنوان اصلی امام حسین (ع) در آیین شعر و ادب

صفحه: ۴۹-۶۵

جلد: ۱۲

زبان: فارسی

تاریخ: ۱۳۸۱ شمسی

موضوع: امام حسین (ع) و عاشورا در شعر و ادب فارسی

مقدمه

کربلا عصاره بهشت است و عاشورا آبروی عاشق اگر کربلا نبود، هیچ گلی از زمین نمی‌رویید و مشام هیچ انسان آزاده‌ای حقیقت را استشمام نمی‌کرد. اگر کربلا نبود و عاشورا نبود، امروز عشق بر سر هر کوی و برزن بیگاری می‌کرد. حسین آمد و عشق را آبرو بخشید و عباس با دستان بریده و لبان خشکیده و با مَشکی زخمی عشق را سیراب کرد تا حرف و حدیثی باقی نماند و زینب عشق را تداوم بخشید و آن را در گستره زمین و آسمان منتشر کرد تا از آن پس تمام عاشقان و امدار حماسه عاشورا باشند. کربلا قبله الهام عاشقان شد و عاشورا میعادگاهی برای آنان که می‌خواهند نماز عشق را در محرابی به بلندای تاریخ به پا دارند. از آن روز زندگی معنا یافت که حسین (ع) بر کتیبه دل‌ها نقش بست و عاشورا این راز نهفته مضمون تمام ناگفته‌ها شد. این مقال مروری بر اشعار شعرا از گذشته تا عصر حاضر در مورد آقا ابا عبدالله الحسین (ع) عاشورا، کربلا و... می‌باشد. هر چند که از پیش اذعان می‌داریم که نتوانسته‌ایم حق مطلب را آن طور که شایسته و بایسته آن است ادا نماییم اما به قول مولانا: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

شناخت مرثیه

مرثیه از نظر ماهیت جزو ادب غنایی است مرثیه در ادب فارسی سابقه کهن دارد. کهن‌ترین مرثیه را می‌توان در دیوان رودکی جست و جو کرد. مرثیه یا در یاد مرگ پادشاه یا وزیر، یا یکی از رجال علم و ادب است مانند مرثیه فرخی در مرگ محمود غزنوی یا مرثیه رودکی در مرگ شهید بلخی و یا درباره فوت یکی از خویشان است مانند مرآئی فردوسی خاقانی و حافظ در مرگ پسران خود، و یا مرثیه درباره یکی از ائمه دین است مانند مرآئی محتشم کاشانی که از همه معروف‌تر است و این نوع آخر بیشتر در میان مردم رواج دارد و معمولاً بیشترین مرآئی راجع به سالار شهیدان حسین بن علی (ع) می‌باشد. شمول ابعاد و جامعیت حادثه عاشورا موجب گردید که شعرا هریک از دیدگاهی خاص به آن بنگرند: گروهی از صوفیه و عرفا جنبه عرفانی آن را به نظم کشیده و بعضی دیگر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی این واقعه عظیم را به نظم کشیده‌اند ولیکن اکثر شعرا به ویژه در قرون اخیر بُعد «بکایی آن را مطمح نظر قرار داده‌اند.

رسالت و تعهد شاعر

دشمن حکام جور و خلفای ستمگر در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه دقیقاً بیانگر رسالت و تعهد شعرا به واقعه عاشورا و بیان ظلمی است که به اهل بیت و شیعه گردیده دشمنی سران کفر با شاعران و مرثیه سرایان بی جهت نبوده است زیرا آنها با مرآئی جانگداز خود توانستند آتش عشق توده‌های مسلمان به اهل بیت را پر فروغ نگه داشته و رسالت امام حسین (ع) را به زیباترین شکل ممکن در قالب نظم و اشعاری دلنواز به گوش جهانیان برسانند. بزرگانی هم چون فرزددق کمیت و دعبل و ده‌ها گوینده و شاعر مبارز دیگر با قبول خطرهای دشواری‌های راه به خوبی از عهده رسالت دشوار خود برآمده و توانستند به احیای فرهنگ عاشورا کمک شایانی بنمایند. «ابن مسکیت از دوستان اهل بیت بود. او معلمی دو پسر متوکل را بر عهده داشت هنگامی که خلیفه به شیعه بودن او پی برد، کینه او را به دل گرفت و روزی از او پرسید: فرزندان من نزد تو گرامی ترند یا حسن و حسین ..؟ ابن مسکیت نگاهی به چهره متوکل کرد و گفت به خدا قسم حسن (ع) و حسین (ع) با تمام زیبایی‌های دنیا برابرند. تو چه طور جرأت می‌کنی آنها را با فرزندان خود قیاس کنی ..؟ متوکل از شدت خشم و غضب دستور داد که زبان او را از حلقومش در آورند.

شروع مرثیه‌هایی عاشورایی

اشاره

تاریخ آغاز سرودن شعر عاشورایی تقریباً روشن است می‌توان روز شهادت حسین (ع) و یارانش را تاریخ شروع مرثیه عاشورایی نامید، زیرا - چنان‌که در متون تاریخی آمده است - نخستین مرثیه سرایان اهل بیت آن حضرت بودند. اما حسین (ع) هنگام آخرین وداع با اهل بیت خود خطاب به دخترش «سکینه ابیاتی می‌فرماید که از جان سوزترین مرآئی به شمار می‌رود: لا- تحرّمی قلبی بدمعک حسره مادام منی الروح فی جثمانی تا جان بدن دارم دلم را از اشک حسرت بسوزان فاذا قتلت فانت اولی بالبکاء یا خیر النّسوان ای بهترین زنان هنگامی که کشته گردم تو برای گریستن من سزاوارترین هستی سیطول بعدی یا سکینه فاعلمی منک البکا اذا الحمام دهان به زودی بر مصیبت مرگ من گریه‌های طولانی در پیش داری «ام کلثوم دختر بزرگوار امیر مومنان و بانوی بزرگ و اصیل که بسیار «بلیغ السان بود، در مرثیه‌ای چنین می‌فرماید: قتلتم اخی ظلماً فویل لامکم ستجرون ناراً حرّها بتوقدوا ی بر مادران شما که برادر من را به ستم شهید کردید، به زودی آتشی سوزان پاداشتان خواهد بود. سفکتم دماء حرم الله سفکها و حرّمها القرآن ثمّ محمدخون‌هایی را که ریختید که خدا و قرآن و محمد ریختن آنها را حرام کرده‌اند.

حسین و عاشورا در ادب پارسی

علی رغم شعر عرب که گسترده‌ترین بخش آن را مرآئی عاشورایی تشکیل می‌دهند، سرایندگان عرب در این زمینه آثار جاودانی از خود به یادگار گذاشته‌اند، متأسفانه سرایندگان فارسی نه از جهت کیفیت و نه از جهت کمیت هرگز به هم‌تاهای عرب خود نرسیده‌اند. شعرایی که با در یوزگی برای دریافت صله و یا طلب کنیزکی و یا حتی سبویی شراب پادشاه و یا امیر نالایقی را مدح می‌کردند و فضایل دروغینی را به وی نسبت می‌دادند؛ گویی از نهضت امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا به کلی بی‌خبرند. گرچه شرایط حاکم بر محیط و نیز استیلای خلفا و امرای جور و دور از مذهب و دشمنی دیرینه با شیعه و اهل بیت در این قصور و کم توجهی بی تأثیر نبوده لیکن چنین عذری برای خیل شاعران که در واقع از افکار و احساسات لطیف‌تری نسبت به توده مردم زمان خود داشتند، زیاد منطقی به نظر نمی‌رسد. البته این سخنان به این معنا نیست که ما در زمینه عاشورا و قیام امام حسین در ادب پارسی چیزی نداریم خوش بختانه غنای ادب پارسی آن چنان است که ما در هر زمینه‌ای که بخواهیم می‌توانیم از این بوستان معرفت به

خوشه چینی پردازیم ولی هدف از بیان این موضوع این بود که با توجه به اهمیت واقعه عاشورا و قیام سالار شهیدان و مظلومیت ایشان و اهل بیت گرامی‌شان باید بیش از این به آن پرداخته می‌شد.

مروری بر چند مرثیه از شعرای عرب

«عقبه بن عمرو السهمی نخستین کسی است که در رثای عاشوراییان شعر سرود. او در اواخر قرن اول به کربلا رفت نزدیک قبر آن حضرت که رسید این مرثیه را گفت مرت علی بترالحسین بکربلا ففامن علیه من دموعی عزیزها در کربلا بر قبر حسین گذشتم و اشک فراوانی از دیدگانم فرو ریخت و لا- برج الونا و زوار قبره یقوم علیهم مشکها و عبیرها آنها که رایحه مشک و عبیر بر شامه زائرانش همیشه می‌وزد.» دعل خزاعی در قصیده‌ای طولانی به ذکر فضایل و خصایل رسول خدا و اهل بیت او می‌پردازد. در فرازی از این مرثیه زیبا چنین می‌خوانیم أفاطم لو خلت الحسین معی دلا و قدمات عطشا به شط فرات ای فاطمه اگر می‌دانستی حسین با لب تشنه در کنار فرات سر بر خاک نهاد. اذا للطم الغد فاطم عند اجریت دمع العین فی الوجنات جز لطمه به صورت نمی‌زدی و غیر اشک بر گونه نمی‌ریختی

مروری بر تک بیت‌هایی زیبا از شعر پارسی در مورد امام حسین و عاشورا

قیام جوانمردانه سید جوانان اهل بهشت و یاران صمیمی آن حضرت در تاریخ ضرب المثل شده و هم چون مثل سایر» مورد استفاده و بهره برداری شاعران قرار گرفته است در ادبیات شیرین فارسی اگر چه بسیاری از شاعران مستقلاً شعری مستقل در این زمینه ندارند، ولی به مناسبت‌های مختلف حتی در اشعار توصیفی خود به آن اشاره نموده‌اند که در ذیل به ذکر چند نمونه برجسته آن می‌پردازیم لاله غرقه به خونم همچو حسین سوسن زنده نفس همچو حسن والله که ماتم شرف الملک بوعلی از ماتم علی حسین هست یادگار سید حسن غزنوی (۵۹۲-۵۳۶ه) به کربلا چو دهان حسین از او بچشید همی دهند زبان‌هایزید را دشنام هجران تو دشت کربلا بود زو حصه من همه بلا شد ادیب ترمذی (۵۷۳ه) در خون من مشو که به خون شسته‌ام دو رخ بی تو، به حق خون شهیدان کربلا رشید و طواط (۵۶۴ه) به من آن کرب و بلا آمد که نیاورد کربلا به حسینی انوری (۵۸۳ه) چندان کز دو دیده من رفت جوی اشک هر گز نرفت خون شهیدان کربلا مسعود سعد سلمان (۵۱۵ - ۴۳۸ه) کردم ز دیده پای سوی مرقد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین جامی (۸۹۸ - ۸۱۷ه) به سر بیست رفتن در طریق کربلای دل که تا یابی طواف پادشاه دین و دنیا راضمیری اصفهانی (۹۷۳ه) بس گوهر نهفته که غواص خاطر م داد به نذر مدح شاه کربلا گره کلیم همدانی (۱۰۶۱ه) بر سر نیزه کرده‌ای سر گلدسته رسول ای روزگار خوش گلی آورده‌ای به بار صابر زواره‌ای (قرن ۱۱) خاکستر وجود مرا گرده‌ای به باد از اشتیاق رو به سوی کربلا- آورد زمانی یزدی (قرن ۱۱) به خاک کربلا زائر بیفشان دانه اشکی که هر کس بهر خود روز قیامت کشته‌ای دارد زائر همدانی (قرن ۱۱) کی گهر دارد بها عباس در بازار حشر از زمین کربلا یک سبجه وارم آرزوست عباسقلی خان شاملو (قرن ۱۱)

امام حسین و عاشورا در آئینه شعر و ادب پارسی

اشاره

در این قسمت به مبحث اصلی که ذکر اشعار و ابیات و مرآئی شاعران نام دار ادب پارسی در مورد امام حسین (ع) و عاشورا است می‌پردازیم اگر چه در بعضی قسمت‌ها به خاطر طولانی نشدن کلام به حذف و اختصار ابیات پرداخته شده ولی سعی شده که حذف‌ها به شکلی انجام شود که حتی الامکان به بدنه اصلی شعر و مضمون آن و نهایتاً به زیبایی کلام صدمه و خدش‌های وارد

نگردد. در ضمن انتخاب و تنظیم اشعار صرفاً براساس تقدیم زمانی و حیات شاعر می‌باشد. گفتنی است در مواردی به ذکر تاریخ مختصری از شرح حال شاعر اشاره شده و در بعضی موارد به علت اختصار کلام تنها به ذکر نام شاعر قناعت شده است

ابوالحسن کسایی مروزی

به سال ۳۴۱ در مرو متولد شد. وی ابتدا مدّاح سامانیان بود، ولی بعدها دست‌ازمداحی کشید و به سرودن اشعاری در پند و اندرز و مدح و رثای اهل بیت پرداخت او یکی از بزرگ‌ترین و در واقع نخستین شاعر پارسی زبان است که «مرثیه عاشورایی سروده است و با توجه به شواهد قطعی تاریخی و آثار به جا مانده از وی تردیدی در تشیع او وجود ندارد. نمونه‌ای از مرثیه ایشان در ذیل بیان می‌شود: تخم جهان بی بریزارم از پیاله و ز ارغوان و لاله ما و خروج وناله کنجی گرفته مأوداست از جهان بشویم غر و شرف بجویم مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضامیراث مصطفی را فرزند مرتضی را مقتول کربلا را تازه کنم تولا آن میر سر بریده در خاک و خون تپیده از آب ناچشیده گشته اسیر غوغاتنهاو دل شکسته بر خویشتن گرسنه از خانمان گشته وز اهل و بیت و آباصفین و بدر و خندق حجت گرفته با حق خیل یزید احمق یک یک به خونش کوشا آن پنج ماهه کودک باری چه کرد و یحک کز پای تابه تارک مجروح شد مفاجا پاکیزه آل یاسین گمراه و زار و مسکین و آن کینه‌های پیشین آن روز گشته پیدایی چاره شهر بانو مصدوم کرده زانو بی‌چاره گشته لولو بر درد ناشکیبا آن زینب غریوان اندر میان دیوان آل زیاد و مروان نظاره گشته عمدتخم جهان بی بر، این دست و زین فزون تر کهتر عدوی مهتر نادان عدوی دنا بر مقتل ای کسایی برهان همی نمایی گر هم بر این بیایی بی خار گشت خرماتا زنده‌ای چنین کن دل‌های ما حزین کن پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا

امیر معزی

از شاعران قرن پنجم و اوایل قرن ششم بود. او مدتی را به مدح امرای سلجوقی گذراند و سپس تا پایان عمر در خراسان در خدمت سلطان سنجر بود و وفات او به سال ۵۲۱ واقع شده است وی در قصیده سرایی استاد بود اینک به ذکر نمونه‌هایی از اشعار عاشورایی وی اشاره می‌گردد: آن که چون آمد به دستش ذوالفقار جان شکار گشت معجز در کفش چون در کف موسی عصا آمد آواز منادی «لا فتی الا علی وانگهی «لا سیف الا ذوالفقار» آمد نداو آن دو فرزند عزیزش چون حسین و چون حسن هر دو اندر کعبه جود و کرم رکن وصف آن یکی را جان ز تن گشته جدا اندر حجاز و آن دگر را سر جدا گشته زتن در کربلا آن که دادی بوسه بر روی و قفای او رسول گرد بر رویش نشست و شمر ملعون در قفاو آن که حیدر گیسوان او نهادی بر دو چشم چشم او در آب غرق و گیسوان اندر دما روز محشر داد بستاند خدا از قاتلانش تو بده داد و مباش از حسب مقتولان جدا

سنایی

حکیم سنایی غزنوی از شاعران توانای ایرانی است که مبدع بیان مسائل فلسفی و اخلاقی در شعر است او پس از مدح بهرام‌شاه غزنوی به عرفان روی آورد و از جهان و جهانیان دست شست چنان که بهرام شاه می‌خواست خواهر خود را به ازدواج با او ترغیب کند، ولی او نپذیرفت سنایی تا پایان عمر پس از بازگشت از سفر حج در غرین زندگی را در عزلت و گوشه نشینی گذراند. از آثار او می‌توان به حدیقه الحقیقه طریق التحقیق کارنامه بلخ و... اشاره کرد. مرثیه ذیل از کتاب حدیقه الحقیقه انتخاب شده است حَبْذا کربلا و آن تعظیم کز بهشت آورد به خلق نسیم و آن تن سر بریده در گل و خاک و آن غریوان به تیغ دل‌ها چاک و آن گزین همه جهان کشته در گل خون تنش بیاغشته و آن چنان ظالمان بدکردار کرده بر ظلم خویشتن اصرار حرمت دین و خاندان رسول جمله بر داشته زجهل و مقتول تیغ‌ها لعل گون ز خون حسین چه بود در جهان بتر زین شین کرده آل زیاد و شمر لعین ابتدای چنین

بته در دین حسن از زخم کرده سینه کبود زینب از دیده‌ها برانده دو رودمن نیم دوستدار شمر و یزید زان قبیله منم به عهد بعیدهر که راضی شود به بد کردن لعنتش طوق باشد در گردن داستان پسر هند مگر نشینیدی که از او وسه کس او به پیمبر چه رسید پدر او در دندان پیمبر بشکست مادر او جگر عمر پیمبر بمکید او به ناحق حق داماد پیمبر بستد پسر او سر فرزند پیمبر ببرید پدر چنین قوم تو لعنت نکنی شرمت باد لعن الله یزیداً و علی آل یزید

قوامی رازی

این شاعر که از شعرای معروف شیعی قرن ششم می‌باشد، مدّت‌ها، در خدمت رجال و خاندان‌های بزرگ شیعی در عراق به سر می‌برده است علاوه بر مناقب و مرآئی خاندان رسالت از وی قصایدی نیز در زهد و وعظ باقی مانده است در ذیل قصیده‌ای از ایشان در رثای شهدای کربلا بیان می‌گردد که البته این قصیده به علّت این که بسیار مّطول و مفصل بود، به ذکر ابیاتی چند از آن می‌پردازیم و علاقه مندان را به خواندن کامل این قصیده در دیوان شاعر دعوت می‌کنیم روز دهم ز ماه محرم به کربلا ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی هر گز مباد روز چو عاشور در جهان کان روز بود وز قتل شهیدان کربلا آن تشنگان آل محمد اسیر وار بر دشت کربلا به بلا گشته مبتلا عریان بماند پرد گیان سرای وحی مقتول گشته شاه سراپرده عبا هر گه که یادم آید از آن سید شهید عیشم شود منقص و عمرم شود هبای بس بلا- و رنج که بر جان او رسید از جور و ظلم امت بی رحم و بی حیا در آرزوی آب چو اویی بداد جان لعنت بر این جهان به نفرین بی وفابگرفته روی آب سپاه یزید شوم بی آب چشم و سینه پر از آتش هوا

عطار نیشابوری

شاعر معروف قرن ششم و هفتم هجری بود و از سرمایه‌های فرهنگی و ادبی این مرز و بوم است او قسمت عمده‌ای از عمر خویش را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند. از آثار برجسته وی می‌توان به منطق الطیر، اسرارنامه الهی نامه مصیبت نامه تذکره الاولیاء و.... اشاره کرد. کیست حق را پیمبر را ولی آن حسن سیرت حسین بن علی آفتاب آسمان معرفت آن محمد صورت و حیدر صفت نه فلک را تا ابد مخدوم بود ز آن که او سلطان ره معصوم بود تشنه او را دشنه آلوده به خون نیم کشته گشته سرگشته به خون آن چنان سر را که بُرد بی دریغ کافتاب از درو آن شد زیر میغ گیسوی او با به خون آلوده شد خون گردون از شفق پالوده شد کی کنند این کافران با این همه کو محمد؟ کو علی کو فاطمه صد هزاران جان پاک انبیاء صف زده بینم به خاک کربلا در تموز کربلا تشنه جگر سر برید زشتی چه باشد زین بتر با جگر گوشه پیمبر این کنند وانگهی دعوی داد و دین کنند کفرم آید هر که این را دین شمرد قطع باد از بن زفانی کاین شمرد کاشکی ای من سگ هندوی او کمترین سگ بودمی در کوی او «منتخب از مصیبت نامه

کمال الدین اصفهانی

کمال الدین اصفهانی معروف به «خلاق المعانی می‌باشد؛ وی در آوردن معانی دقیق و باریک اندیشی مهارت خاصی داشت و در التزامات صعب و تقید و آوردن ید طولایی داشت اینک در ذیل به چند بیت از نامبرده در مورد امام حسین (ع) می‌پردازیم چون محرم رسید و عاشورا خنده بر لب حرام باید کردوز پی ماتم حسین علی گریه از ابر وام باید کرد لعنت دشمنانش باید گفت دوستداری تمام باید کرد

سیف فرقانی

شاعر و عارفی گوشه گیر بود، پس از مدّتی از تبریز به آسیای صغیر رفته و در شهری به نام «آق سرا» در خانقاهی کوچک در

گذشت و همان جا مدفون گردید. او همواره از حکام و ستمگران روزگار خویش کناره‌گیری کرده و ستم آنان را نکوهش می‌کرد. ابیاتی چند از وی در خصوص فاجعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) را با هم می‌خوانیم ای قوم در این عزا بگریید بر کشته کربلا بگریید با این دل مرده خنده تا چند امروز در این عزا بگریید از خون جگر سرشک سازید بهر دل مصطفی بگرییدوز معدن دل به اشک چون دُر بر گوهر مرتضی بگریید با نعمت عافیت به صد چشم بر اهل چنین بلا بگریید دل خسته ماتم حسینید ای خسته دلان هلا بگریید بر جور و جفای آن جماعت یک دم ز سر صفا بگریید در گریه به صد زبان بنالید در پرده به صد نوا بگریید و ز بهر نزول غیث رحمت چون ابر، گه دعا بگریید

خواجه کرمانی

آن گوشوار عرش که گردون جوهری بارانی پراز گهرش بود شتری دیدش ملک بخش جهاندار خرقة پوش خسرو نشان صوفی و سلطان حیدری در صورتش معین و در سیرتش مبین آیات ایزدی و صفات پیمبری در بحر شرع لولوی شهوار و همچو بحر در خویش خرقة گشته ز پاکیزه گوهری اقرار کرده حر یزیدش به بندگی خط باز داده روح امینش به چاکری لب خشک و دیده تر شده از تشنگی و آنگه طفیل خاک درش خشکی و تری از کربلا بدو همه کرب و بلا رسید آری همین نتیجه دهد ملک پروری گلگون هنوز چنگک پلنگان کوهسار از خون شاه شهیدان روزگار

سلمان ساوجی

خاک خون آغشته لب تشنگان کربلاست آخر ای چشم جهان بین اشک خونینت کجاست جز به چشم و چهره مسیر خاک آن ره کانهمه نرگس از چشم و گل و رخسار آل مصطفاست ای دل بی صبر من آرام مگیر این جا دمی کاندین جا منزل آرام جان مرتضاست روضه پاک حسین است این که مشکین زلف حور خویشتن را بسته بر جاروب این جنت سراسر مهبط انوار عزت مظهر اسرار حق منزل آیات رحمت مشهد آل عباسست کوری چشم مخالف من حسینی مذهبم راه حق این است و نتوانم نهفتن راه راست جوهر آب فرات از خون پاکان گشت لعل وین زمان آن آب خونین هم چنان در چشم ماست یا امام متقین ما مخلصان طاعتیم یک قبولت صد چو ما را تا ابد برگ و نواست

ابن حسام خوسفی

دلم شکسته و مجروح و مبتلای حسین طواف کرد شبی گرد کربلای حسین طراز طره مشکین عنبر افشانش خضاب کرد به خون خصم بی وفای حسین قدر چو واقعه کربلا مشاهده کرد ز چشم چشمه خون راند بر قضای حسین نشسته بر سر خاکستر آفتاب مقیم کبود پوش به سوگ از پی عزای حسین جمال روشن خورشید را غبار گرفت که در غبار نهان شد مه لقای حسین سحاب قطره باران حسین سر بخشید عطای ابر کجا و کجا عطای حسین خموش ابن حسام این سخن نه لایق توست ستایش تو کجا و کجا ثنای حسین کز آفتاب قیامت مرا پناهی ده به زیر سایه دامن کش لوای حسین

صائب تبریزی

وی یکی از بزرگ‌ترین شعرا و استاد «سبک هندی می‌باشد. مهارت عمده وی در غزل و تک‌بیت‌هایش است سخنش استوار و پرمعنا و مشحون از مضمون‌های دقیق و افکار و تمثیلات لطیف و دلکش است در ذیل قطعه‌ای از وی راجع به امام حسین (ع) را با هم می‌خوانیم مظهر انوار بانی حسین بن علی آن که خاک آستانش دردمندان را شفاست ابر رحمت سایبان قبه پر نور او روضه‌اش

را از پر و بال ملائک بوریاست دست خالی بر نمی‌گردد دعا از روضه‌اش سائلان را آستانش کعبه حاجت رواست با لب خشک از جهان تا رفت آن سلطان دین آب را خاک مذلت در دهان زین ماجراست چند روزی بود اگر مهر سلیمان معتبر تا قیامت سجدگاه خلق مهر کربلاست آن که می‌شد پیکرش از بوی گل نیلوفری چاک چاک امروز، مانند گل از تیغ جفاست چرخ از انجم در عزایش دامن پر اشک شد تا به دامن جزا، گرابر خون گرید رواست مدحش از ما عاجزان صائب بود ترک ادب آن که ممدوح خدا و مصطفی و مرتضاست

ملک الشعرای بهار

استاد محمد تقی بهار از بزرگ‌ترین شعرای تاریخ معاصر کشور ماست ایشان با قدرت بیان فوق العاده‌ای که داشتند. در اندک زمانی توانستند در عرصه شعر و ادب از نام‌آوران و مشاهیر بلامنازع این آب و خاک گردند. از ایشان در تمامی قالب‌های شعر آثار زیبایی به یادگار ماند، ولی آنچه از برجستگی بیشتری در میان آثار ایشان به چشم می‌خورد، قصاید بسیار زیبا و نغز ایشان است که با آثار قصیده سرایان بزرگی چون خاقانی ابن یمین انوری و... برابری می‌کند. وی مدت‌ها ملک الشعرای آستان مقدس رضوی بود. از آثار برجسته ایشان می‌توان به کتاب‌های بسیار ارزشمند «سبک‌شناسی در دو مجلد اشاره کرد. در ذیل به چند بیت از ایشان در زمینه کربلا و امام حسین (ع) مروری گذرا خواهیم داشت ای فلک آل علی را از وطن آواره کردی زان سپس در کربلاشان بردی و بی‌چاره کردی تاختی از وادی ایمن غزالان حرم را پس اسیر پنجه گرگان آدم خواره کردی گوشوار عرش رحمان را بریدی سر، پس آنکه دخترانش را ز کین بی گوشوار و یاره کردی کودک دیده صغیره اندر میان گاهواره چون نکردی شرم و از کین قصد آن گهواره کردی سوختی از آتش کین خانه آل علی را و یستادی بر سر آن آتش و نظاره کردی

ادیب السلطنه

حسین سمیعی معروف به ادیب السلطنه و متخلص به «عطا» از شعرای نام‌آور معاصر بود که مدت‌ها انجمن ادبی تهران را اداره می‌کرد. وی به سال ۱۳۳۲ شمسی وفات یافت مرثیه بسیار زیبایی که در ذیل می‌آید از مرآئی بسیار جانسوز قیام عاشورا است کای ظلال پشگان فرزند پیغمبر منم قره العین بتول و زاده حیدر منم گوشوار عرش یزدان قوت قلب علی آن که دایم بود در آغوش پیغمبر منم دین منم ایمان منم دنیا منم عقبی منم معنی قرآن منم بگزیده داور منم معنی طه منم و التین و الزیتون منم سدره طوبی منم جنت منم کوثر منم آن که پیش آستانش بهر تعظیم جلال روز تا شب گشته پشت آسمان چنبر منم روز محشر چون کنید آخر که خصمی می‌کنید با من مظلوم چون خود شافع محشر منم خلق را چون آورند آن روز از بهر حساب دوست را آنجا جزا و خصم را کیفر منم

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۱۹۰
۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - : هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِبدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائز



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹